

إليه أبوته وقال اذ خلوا فصر الله آمين

در اخبار آمده است که چون عصا آمدند یوسف علیه السلام

بند را و خاله را جامه های نیکو ساخته بود گفتند آید درین

دو ریاستید **قول الله** و رفع ابوته علی العرش و خروا

له سجدا بی انگاه یعقوب علیه السلام وفاته یافت و بیوه

بشمعون رسید و نیز گویند که یوسف را بود بی انگاه یوسف

علیه السلام از بیست و پنج سال دیگر زنده بود و از دنیا

برفت و چندین سال از درد فراق میسوزت و می ساخت **بیت**

از دو عالم چشم بر خواهیم دوخت چون بروی تو نظر خواهیم کرد

در غم عشق تو جان خواهیم داد جلد ساز خاک بر خواهیم کرد

هر سنی کانز اهلوق با تو نیست این سخن را محتمل خواهیم کرد

در خبر نیز چنین آمده است که یوسف خاله داشت یعنی خاله

مازنی و برادران یازده گانه بی سجده یوسف کودکند **بیت**

چند قول است یا سجده تواضع بود یا سجده شکر بود

مردی ای یوسف قبله ساختند و سجده یوسف کردند

یازده

یازده سجدت ایشان سجده غیر روا بوده این افعال گفته اند که

که خدای تعالی می فرماید که و رفع ابوته علی العرش و خروا له سجدا

بیست گانه ای یازده سجدت تعین خواب من بر عهد برادران میخواست

بیست جمع شدند بعد از شش فراق بجمعیه وصال رسیدند

و روزگاری با هم بر بردند که تا که اجل یعقوب علیه السلام برسد

بیست فرزند را جمع کرد و وصیتهای نیکو کرد و بفرمود که بر پیش

پدر خود برید یعنی بزین شام بعد از آن اهدا انجام کردند و بیست

گردد صلوات الله و سلامه علیه و بعد گویند که یوسف علیه السلام

بصد و بیست و چند رسید و نیز وفاته کرد و **در دیگر**

در اخبار آمده که چون دلخام مقرا آمد که گناه من کردم و یوسف را

گناه نبود بی عیب و بر آن خانه خویش فرستاد و دلخام ایامد

و اندک خانه بنیشت و هر چند که بزنگان در صبر بودند و بیست

بنی میخواستند اجابت نکردی و در دوستی یوسف می بود و هر

روز عشقش افزون تر می بود و هجده سال بگلیست از فرا

یوسف علیه السلام و زاری میکرد و هر چه دانست هم زاری

یازده